

## سیاست قدرتهای بزرگ و انعقاد پیمان سعدآباد (بخش دوم)

### پیمان سعدآباد سد نفوذ غرب برای ممانعت از نفوذ کمونیسم

✦ سید هدایت الله عقدایی  
زمینه‌های انعقاد پیمان سعدآباد:

گفتیم که انگلستان کوشید تا با ایجاد پیمان‌های دفاعی مشترک بین رژیم‌های دست‌نشانده خود در مجاورت مرزهای شوروی، روزنه‌ای برای نفوذ کمونیسم باقی نگذارد. و در واقع پیمان سعدآباد را می‌توان به عنوان بخش کوچکی از راهبرد کلان بریتانیا در مقابله با کمونیسم مورد تحلیل و بررسی قرار داد.

در این دوره ایران با ترکیه، افغانستان و عراق درگیر مناقشات مرزی بود و انعقاد پیمان عدم تعرض بین این سه کشور با ایران مستلزم رفع اختلافات مرزی فی مابین بود و همین مسئله انگلستان را که عجله زیادی برای تکمیل هر چه سریع‌تر «کمربند بهداشتی» پیرامون شوروی و اجرای سیاست سد نفوذ داشت وادار کرد تا با استفاده از هژمونی خود در سطح جهان و از طریق نفوذی که بر کشورهای خاورمیانه داشت برای حل سریع‌تر اختلافات وارد عمل شود. به ویژه اینکه انگلیسی‌ها انعقاد این معاهده را به منزله سدی در برابر توسعه طلبی و نفوذ شوروی به سوی خلیج فارس و چاه‌های نفت جنوب ایران تلقی می‌کردند.

ترکیه یکی از جمله کشورهایی بود که ایران به روابط دوستانه با او روی آورد. برقراری روابط دوستانه با ترکیه برای ایران دستاورد بزرگی محسوب می‌شد، چرا که در اثر همین برقراری بود که آزادی مناطق شمالی ایران از سیطره کامل شوروی میسر می‌گردید. ایران از طریق ترکیه دسترسی بیشتری به غرب پیدا کرد. از دیگر عوامل نزدیکی ایران به ترکیه مسئله مشترک آنان در باب ناآرامی‌های عشایر کُرد، در مرزهایشان بود. (۱۱) در اثر کوشش انگلیسی‌ها اختلافات مرزی ایران و ترکیه به موجب قرارداد مرزی دی ماه ۱۳۱۰ حل و فصل شد و دولت ایران قسمتی از اراضی مجاور آزارات را به ترکیه واگذار کرد و در عوض قطعه زمین بزرگی در کردستان را گرفت. (۱۲) پس از استقرار در این روابط دوستانه بود که رضاخان بنا به دعوت رئیس‌جمهور ترکیه (مصطفی آتاتورک) در خرداد ۱۳۱۳ به این کشور سفر کرد.

افغانستان کشور دیگری بود که ایران با توجه به سیاست مذکور با میانجی‌گری ترکیه بر سر رفع اختلافات مرزی، روابطش با ایران در سال ۱۳۱۳ به نحو چشم‌گیری بهبود یافت. و اختلافات مرزی با افغانستان نیز در نواحی خراسان و سیستان به موجب حکمیت دولت ترکیه در ۲۷ اسفند ۱۳۱۲ حل شد و روابط بین دو کشور بهبود یافت.

مهمتر از همه اختلافات با عراق بر سر حاکمیت بر شط العرب بود. دولت عراق در سال ۱۳۱۳ در این خصوص شکایتی به جامعه ملل تسلیم کرده و جامعه ملل نیز طرفین را به مذاکرات مستقیم دعوت کرده بود. در این هنگام انگلیسی‌ها که برای تقویت موضع دولت‌های وابسته به خود در قبال خطر کمونیسم عجله داشتند که پیمان منطقه‌ای هر چه زودتر امضاء شود به سرعت زمینه‌های سازش ایران و عراق را با توجه به منافع خود فراهم کردند. (۱۳)

اکنون دیگر زمینه انعقاد پیمان منطقه‌ای تحت سلطه انگلیس به خوبی فراهم شده بود و اختلافات گوناگون میان چهار کشور که قرار بود، در پیمان مزبور شرکت کنند بر طرف شده بود و در ۱۷ تیر ۱۳۱۶ وزارت خارجه ایران و افغانستان و ترکیه و عراق در کاخ سعدآباد پیمانی را امضاء کردند که به پیمان سعدآباد مشهور شد. (۱۴) سمیعی وزیر امور خارجه

ایران، دکتر توفیق رشدی آراس وزیر امور خارجه ترکیه، سردار فیض محمدخان وزیر امور خارجه افغانستان، دکتر ناجی الاصلی وزیر امور خارجه عراق در تهران حضور یافتند و پیمان مزبور را امضاء کردند. (۱۵)

این قانون که مشتمل بر یک ماده و متن عهدنامه ضمیمه بود، در جلسه بیست و پنجم اسفندماه ۱۳۱۶ به تصویب مجلس شورای ملی رسید. (۱۶)

اما واکنش هایی که پس از انعقاد این پیمان از سوی مقامات رسمی کشورهای مختلف اتخاذ شد هم حاکی از حضور پررنگ انگلستان در زمینه سازی و امضای این معاهده در جهت تامین منافع خود است.

پس از انعقاد این پیمان، وزیر خارجه ترکیه اظهار داشت که معاهده مزبور با رضایت و در واقع براساس حمایت بریتانیا منعقد شده است. (۱۷) دولتمردان شوروی، آن را یک کمربند امنیتی و ساخته بریتانیا تلقی کرده و موضع خصمانه ای در قبال آن داشتند. هر چند وزارت خارجه بریتانیا در مورد این پیمان هیچ موضع صریحی اتخاذ نکرد، اما عراق متحد بریتانیا بود و بدون رضایت آن کشور نمی توانست پیمان سعد آباد را امضاء کند. (۱۸)

از سوی دیگر رضاشاه طی نطقی که به مناسبت افتتاح دوره ۱۱ مجلس شورای ملی ایراد کرد، در این رابطه اظهار داشت: «پیمان سعد آباد در مشرق زمین بی سابقه بوده و در این هنگام که امور عالم مشوش است، مدد بزرگی به بقای صلح جهان خواهد بود.» (۱۹) و این در حالی بود که ایران زیان های فراوانی را از انعقاد این معاهده متحمل شد که در بخش های بعدی به آنها خواهیم پرداخت.

اهداف مندرج در متن پیمان نامه سعد آباد:

پیمان مذکور وحدت نظر چهار کشور را در سیاست عمومی و حمایت متقابل در صورت مذکور وحدت نظر چهار کشور را در سیاست عمومی و حمایت متقابل در صورت بروز خطر نسبت به یکی از دولت های عضو پیش بینی می کرد و همچنین دول چهارگانه متعهد می شوند که سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را تعقیب کنند و مصونیت حدود مشترک مرزی یکدیگر را محترم شمارند و در کلیه اختلافات بین المللی که با منافع آنها مربوط است، مشورت نمایند و عملیات تجاوزکارانه علیه یکدیگر نداشته باشند. (۲۰)

مفاد پیمان نامه:

ماده ۱- دول متعاهد متعهد می شوند که سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را تعقیب نمایند.

ماده ۲- دول متعاهد معظمه صریحاً متقبل می شوند که مصونیت حدود مشترک یکدیگر را کاملاً محترم بشمارند.

ماده ۳- دول متعاهد معظمه موافقت می نمایند که در کلیه اختلافات بین المللی که با منافع مشترک آنها مربوط باشد با یکدیگر مشورت نمایند.

ماده ۴- هر یک از دول متعهد در مقابل یکدیگر متقبل می شوند که در هیچ مورد خواه به تنهایی و خواه به معیت یک یا چند دولت و دیگر به هیچ گونه عملیات متجاوزانه بر علیه یکدیگر مبادرت ننمایند.

عملیات ذیل تجاوز محسوب می شوند:

اول: اعلان جنگ. دوم: تهاجم بوسیله قوای مسلح یک مملکت حتی بدون اعلان جنگ به خاک مملکت دیگر. سوم: حمله به وسیله قوای بری و بحری یا هوایی حتی بدون اعلان جنگ به خاک یا به سفاین و یا هواپیمای مملکت دیگر. چهارم: کمک یا همراهی مستقیم و یا غیر مستقیم به متجاوز.

عملیات زیر تجاوز محسوب نخواهد شد:

۱- اجرای حق دفاع مشروع یعنی مقاومت در مقابل یک اقدام متجاوزانه به طوری که فوقاً تعریف شد.

۲- اقدام در اجرای ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل.

۳- اقدام در اثر تصمیم متخذه توسعه مجمع عمومی و یا شورای جامعه ملل یا برای اجرای بند ۷ ماده ۱۵ میثاق جامعه ملل و مشروطه بر اینکه در مورد اخیر این اقدام بر ضد دولتی به عمل بیاید که بدواً مبادرت به تجاوز کرده باشد.

۴- مساعدت به دولتی که مورد حمله و تهاجم یا اعلان جنگ یکی از دول متعاقد بر خلاف مقررات عهدنامه تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ پاریس واقع شده باشد.

ماده ۵- هر گاه یکی از دول متعاقد معتقد شود که ماده چهارم این عهدنامه نقض یا در شرف نقض می باشد، بلافاصله موضوع را در پیشگاه شورای جامعه ملل مطرح خواهد ساخت. مقررات مذکور در فوق لطمه ای به حق دولت مزبور دایر به اتخاذ هرگونه رویه ای که در این موقع لازم بداند، وارد نخواهد ساخت.

**ماده ۶-** هرگاه یکی از دول متعاقد بر علیه دولت ثالثی مبادرت به تجاوز نماید، طرف دیگر می تواند بدون اطلاع قبلی این عهدنامه را نسبت به متجاوز فسخ نماید.

ماده ۷- هر یک از دول متعاقد متقبل می شوند که در حدود سرحدات خود از تشکیل و یا عملیات دسته جات مسلح و از ایجاد و هرگونه هیئت و یا تشکیلات دیگری برای تخریب مؤسسات موجود و یا برای اختلال نظم و امنیت هر قسمتی از خاک متعاقد دیگر (سر حدی یا غیر سرحدی) و یا برای واژگون ساختن طرز حکومت طرف دیگر جلوگیری نمایند.

**ماده ۸-** نظر به اینکه دول متعاقد میثاق عمومی تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ را به رسمیت شناخته اند و به موجب میثاق مزبور تسویه و یا حل هرگونه اختلاف یا تنازع که ممکن است بین آنها بروز نماید فقط به وسایل مسالمت آمیز به عمل آید. «این مقررات را تأیید و اعلام می دارند که به هر طریق مسالمت آمیزی که برای این منظور فعلاً بین دول متعاقد موجود و یا در آیته موجود باشد، توسل خواهند شد.

ماده ۹- هیچ یک از مواد این عهدنامه نمی تواند به هیچ وجه تعهداتی را که دول متعاقد به موجب میثاق جامعه ملل متقبل شده اند، تضعیف نمایند.

ماده ۱۰- پیمان مذکور برای مدت ۵ سال منعقد گردید. در انقضای این مدت مزبور به جز در مواردی که یکی از دول متعاقد با اطلاع قبلی شش ماهه فسخ آنرا اعلام نماید، برای مدت ۵ سال دیگر بخودی خود تجدید خواهد شد و این عمل مرتباً تکرار می شود تا آنکه یک یا چند دولت متعهده، فسخ آن را با اطلاع قبلی شش ماهه اعلام دارند. (۲۱)

اقدامات صورت گرفته در چارچوب پیمان سعدآباد:

از اقدامات محدود و انگشت شماری که در چارچوب این پیمان صورت گرفت می توان به موارد زیر اشاره نمود:

نخستین موضوع مورد بحث شورای دائمی پیمان سعدآباد که به ریاست وزیر خارجه ایران اداره می شد، معرفی و حمایت از عضویت یکی از چهار کشور در شورای جامعه ملل بود. لذا در پاییز سال ۱۳۱۶ شمسی، ایران به عضویت شورای جامعه ملل درآمد و این امر در واقع اقدام ملموس و عملی شورای وزیران پیمان سعدآباد بود. (۲۲)

در یک مورد دیگر پس از شروع انقلاب عراق (شورش رشید عالی گیلانی) در سال ۱۹۴۱، اعضای پیمان برای تبادل نظر پیرامون طرح پیشگیری از گسترش احتمال تجاوز در منطقه، در آنکارا تشکیل جلسه دادند. (۲۳)

زیان پیمان سعدآباد برای ایران:

پیمان سعدآباد هم از لحاظ مادی و هم از نظر سیاسی به زیان دولت ایران و به نفع کشورهای ترکیه، افغانستان و عراق بوده است؛ زیرا قسمتی از ارتفاعات آزارات که دارای موقعیت سوق الجیشی مهمی بوده به ترکیه واگذار گردید. در تعیین خط مرزی ایران و عراق نیز رضا شاه منابع نفتی غرب ایران و نصف شط العرب را که طبق اصول و مقررات بین المللی که خط تالوک می باشد به عراق واگذار نمود تا از بابت عبور کشتی های نفتکش از آبادان، ایران مبالغ هنگفتی به دولت عراق تحت الحمایه انگلیس پردازد. (۲۴)

همه این ها بیانگر بی سیاستی دستگاه دیپلماسی خارجی رضاشاه بوده است. در واقع باید متذکر شویم که سیاست خارجی رضاشاه در قبال این پیمان حتی در برخورد با همسایگان تازه به دوران رسیده و نو پا هم نمی توانست آن گونه که خود می خواست ارتباط برقرار نماید و یا تصمیمی اتخاذ کند. (۲۵)

پیمان سعدآباد در پایان راه:

بالاخره پیمان سعدآباد که با هدف حفظ کشورهای عضو در قبال خطر کمونیسم و خطرات مشابه ایجاد شده بود. با آغاز جنگ جهانی دوم و تغییر بلوک بندیها و اتحاد انگلیس و شوروی عملاً از حیز انتفاع خارج شد و نتوانست رسالت اولیه خود را به انجام رساند و در جریان حوادث شهریور ۱۳۲۰ هیچ یک از هم پیمانان ایران به یاری کشور ما نشتافتند و پیمان سعدآباد بیهودگی خود را به اثبات رساند. حتی دولت عراق خاک خود را پایگاه حمله انگلستان به ایران قرار داد. (۲۶)

علل شکست و ناکارآمدی پیمان سعدآباد:

دربخش پایانی به عللی که به نظر می رسد موجبات ناکارآمدی و شکست پیمان سعدآباد را فراهم نمود به اختصار اشاره خواهیم کرد.

۱. پیمان سعدآباد، معاهده ای برآمده از اراده دولت های مستقل و قوی نبود که بتواند در مواقع حساس و لحظات سرنوشت ساز به اتخاذ تدابیر مستقل و مناسب در جهت منافع اعضاء پردازد و همین عدم استقلال کافی و وابستگی به قدرت های دیگر این معاهده را بیش از پیش ناکارآمد و ضعیف می نمود به شکلی که به تبع منافع انگلستان در منطقه و جهان دست خوش تغییر رویه می شد.

۲. پیمان سعدآباد نتوانست در وحدت اعضایش موثر باشد، چرا که آنها در مورد دشمن مشترک خویش اتفاق نظر نداشتند و از اهداف و منافع مشترکی برخوردار نبودند. (۲۷)

۳. موفقیت معاهدات و پیمان های چندجانبه ای که همانند معاهده سعدآباد یک معاهده نظامی (بر مبنای دفاع دسته جمعی و عدم تعرض) محسوب می شوند و با مسئله مهم و پرنسب امنیت ملی کشورها در رابطه مستقیم قرار می گیرند در گرو مناسبات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی ریشه دار و حسنه اعضاء است، یعنی عنصری که نه تنها وجود نداشت، بلکه تعارضات مرزی همواره از گذشته های دور منشاء اختلاف نظرها و برخوردهای بعضاً شدید مابین دولت های عضو این معاهده می شد و همین مسئله عاملی بود که از انسجام و همگرایی دولت های متعاقد در این پیمان می کاست.

پی نوشت ها:

۱۱. حبیب الله مختاری. **تاریخ بیداری ایران**. تهران، ۱۳۲۶، ص ۴۸۲.

۱۲. منوچهر محمدی. پیشین، ص ۷۱.

۱۳. منوچهر محمدی. پیشین، ص ۷۲.

۱۴. علی رضا امینی، پیشین، ص ۲۶۱.

۱۵. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ۴۳.

۱۶. حسین مکی. **تاریخ بیست ساله ایران**، (تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴)، چاپ اول، ج ۶، ص ۳۹۷، ۳۹۸.

۱۷. علی اصغر زرگر. **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در دوره رضاشاه**. ترجمه کاوه بیات، (تهران: انتشارات پروین، ۱۳۷۲)، صص، ۷-۳۹۶.

۱۸. علی اصغر زرگر. پیشین، صص، ۷-۳۹۶.

۱۹. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیشین، ص ۴۵.

۲۰. فصلنامه همشهری ماه، شماره پانزدهم، تیرماه ۱۳۸۶، ص ۸۰.

۲۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، پیشین، صص ۴۳-۴۵.

۲۲. آذرمیدخت مشایخ فریدنی. **مسائل مرزی ایران و عراق**. (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹)، ص ۳۹۵.
۲۳. زرگر، پیشین، ص ۴۲۶.
۲۴. حسین مکی. پیشین، ص ۴۱۰.
۲۵. غلامعلی پارسا. سیاست خارجی رضا شاه. (مشهد: نشر الف، ۱۳۸۲)، چاپ اول، ص ۱۹۳ و ۱۹۵.
۲۶. علی رضا امینی. پیشین، ص ۲۶۲.
۲۷. زرگر، پیشین، ص ۳۹۸.